



سر و صدایی برای آقای پیشگ!

آنچنانی به این سفر نشان ندادند. پرداخت نشدن پول نفت به یوان توسط عربستان تمام امید چینی‌ها برای آینده روابط را عملاً بر باد داد چرا که امروز چین ۵۰ درصد از نفت صادراتی سعودی را به تنهایی خریداری می‌کند. اما یک موضوع که باز هم در حوزه رسانه‌های کسی با اشاره نکرد درخواست طرف چینی برای سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه نفت و صنایع پایین دستی بود. شرکت دولتی نفت چین تقاضا داشت با همکاری آرامکو سرمایه‌گذاری چند ده میلیاردی مشترک در این زمینه داشته باشد. آنها پیشنهاد داشتند جایی در سواحل شمالی دریای سرخ یا ساحل خلیج فارس سرمایه‌گذاری مشترک صورت بگیرد اما در این مورد هم سعودی‌ها دست آن‌ها را در پوست گردو گذاشتند و با پیشنهاد دادن استان اشغالی جیزان که یک منطقه جنگی به شمار می‌رود و زیر برد توپخانه، پهپاد و موشک‌های ارتش یمن قرار دارد عملاً این موضوع را هم مالیدند و رفتند. موضوع سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه نفت و پتروشیمی برای چینی‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود، آنها می‌خواستند با استفاده از نفت فراوان سعودی‌ها فرآورده‌های مورد نیاز در ورای مرزها را تامین کنند. این فرآورده‌ها قرار نبود به چین ارسال شود بلکه باید در کشورهای

توافقات به عمل آمده با چین نمی‌تواند خطری برای واشنگتن داشته باشد، بنابراین سکوت معناداری کردند. پیش از سفر آقای شی به ریاض بن سلمان در چند دیدار کاری که برای تدارک مقدمات این سفر برگزار شده بود به چینی‌ها قول داد اگر نتواند ۵۰ درصد از پول نفت فروخته شده به چین را به یوان دریافت کند دستکم بین ۲۰ تا ۳۰ درصد از این مبلغ را حتماً دریافت می‌کند و به این ترتیب به قدرتمندتر شدن پول ملی چین کمک خواهد کرد. این مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان و حضور سه روزه‌اش در ریاض بود که عملاً با هشدار طرف آمریکایی به بن سلمان ناکام ماند.

در دهه ۷۰ قرن گذشته عربستان با تعهد دریافت پول نفت با دلار آمریکا در کنار برخی کشورهای عضو اوپک به دلار در بازارهای جهانی کمک کرد و حالا رئیس‌جمهور چین امیدوار بود از همین مسیر بتواند وارد شده و یوان را در حوزه اقتصاد جهانی تثبیت کند. این موضوع خط قرمز آمریکا به شمار رفته و بن سلمان جرأت نداشت برخلاف میل و خواسته آمریکا رفتار کند. در سایر حوزه‌ها هر توافقی صورت می‌گرفت برای آمریکا به جز در حوزه دفاعی و نظامی مهم نبود و به همین دلیل شاهد آن بودیم که آمریکایی‌ها واکنش

سعودی‌ها همزمان با سفر رئیس‌جمهور چین در حوزه تبلیغاتی و رسانه‌های هزینه‌گفتی کردند در حوزه تبلیغاتی و افکار عمومی در سطح جهان اینگونه وانمود کنند که چین در سفر به ریاض توانسته موازنه قدرت را تغییر داده و با امضای قراردادهای مختلف و همچنین دیدار با رهبران برخی از کشورهای عربی در این سفر عملاً به سلطه آمریکا در آسیای غربی پایان دهند. اگر نگاهی به گستره عجیب و غریب این نوشته‌ها در طول چند روز گذشته داشته باشید متوجه غیر عادی بودن این میزان تحلیل، یادداشت و گزارش و ... خواهید شد که برای کسی که در حوزه رسانه‌های کار می‌کند و در این زمینه تخصص دارد غیرقابل قبول است. در واقع سفر رئیس‌جمهور چین به ریاض همانگونه که در بالا گفته شد هر چند سفری مهم بود اما آن دستاورد لازم و ویژه را نداشت و این را خود سعودی‌ها هم بهتر از همه می‌دانند. طرف چینی هم که رئیس‌جمهورش وقت خود را در ریاض تلف کرده بود سعی کرد با همراه شدن با این تبلیغات رسانه‌ای عملاً در بازی طراحی شده توسط محمد بن سلمان قرار بگیرد تا حداقل در بخش رسانه‌های دستاوردی داشته باشد. مسئله مهم و اساسی این بود که طرف آمریکایی به عنوان ناظر اصلی در عربستان بهتر از همه می‌دانستند که

آسیای غربی و آفریقا که چینی‌ها در حال سرمایه‌گذاری گسترده در آن هستند ارسال می‌شد و بخشی از انرژی مورد نیاز یک کمر بند یک راه را تامین می‌کرد. به نظر می‌رسد این پیشنهاد با توجه به سرمایه‌گذاری کامل خود سعودی‌ها در حوزه نفت و صنایع پتروشیمی چندان مورد رضایت آن‌ها نبوده است. در حوزه خرید تجهیزات و تسلیحات نظامی هم با توجه به خرید هنگفت نفت از عربستان چینی‌ها دنبال آن بودند که بخشی از این پرداخت را به صورت تجهیزات نظامی راهی عربستان کنند و از بازار بزرگ خرید سلاح توسط سعودی‌ها چیزی عایدشان شود. هدف گذاری اولیه ۱۰ میلیارد دلاری برای فروش تجهیزات راداری، پدافندی، توپخانه‌ای و پهپادی و... بخشی از این انتظار بود که طرف چینی روی آن حساب ویژه‌ای باز کرده بود اما سعودی‌ها در این زمینه هم صرفاً به خرید چند سامانه پدافندی، سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیون دلاری در حوزه ساخت موشک‌های دوربرد و در نهایت خرید و پشتیبانی از پهپادهای چینی

موجود اکتفا کردند.

استقبال رنگارنگ، پرهزینه و پرزرق و برق از رئیس‌جمهور چین و پوشش بی‌سابقه رسانه‌ای آن برای پر اهمیت نشان دادن آن که طبق معمول چشم برخی در ایران را هم پر کرد و باعث ارائه تحلیل‌های کهکشانی و عجیب از برخی از اصحاب ادعا و تحلیل‌های آبکی و شتاب زده شد، هیچ سنخیتی با اهداف این سفر نداشت امضای توافقات گوناگون با اعداد گفته شده در مقابل خریدی که چینی‌ها از نفت عربستان می‌کنند اصلاً قابل توجه نیست. به قیمت امروز چین بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از عربستان نفت وارد می‌کند در حالی که حجم توافقات امضا شده میان دو طرف بسیار پایین‌تر از این عدد بوده و برای کوتاه مدت هم نیست. به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور چین هم که انتظاراتش از این سفر برآورد نشد و حتی در بازی طراحی شده توسط سعودی‌ها قرار گرفت و اقداماتی کرد که باعث دلخوری و رنجش دوستان پکن شد، برای آنکه سرپوشی بر این سفر شکست‌خورده بگذارد، با بازی

رسانه‌ای طراحی شده توسط بن سلمان همراه شد تا در حوزه رسانه‌ای به طرف آمریکا این پیام را ابلاغ کند که موفق شده از میزان وابستگی عربستان به آمریکا کاسته و اسباب نفوذی چین در این کشور را فراهم کند. حالا یک بار دیگر آنچه در طول روزهای گذشته در رسانه‌های داخلی و خارجی در مورد سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان منتشر شده را با این مطالب و مواردی که در اینجا گفته شد و تنها بخشی از ناکامی‌های رئیس‌جمهور چین در سفر به ریاض بود را مقایسه کنید! وقاحت این جماعت داخلی برای نوشتن اراجیف تا جایی پیش رفت که مثلاً در مورد سفر معاون نخست وزیر چین به تهران هر کاری کردند تا آن را کم اهمیت جلوه داده و حتی موقعیت و جایگاه او را هم زیر سوال بردند ولی تا جایی که بنده پرسیدم نامبرده مهمترین معاون نخست وزیر چین به شمار می‌رود و به امید خدا در روزهای آینده در مورد سفرش به تهران هم نکاتی را قلمی خواهم کرد.

ساناد
Sanad

آشنایی کامل نشریات دانشجویی
 اخبار و اعلان‌های خانه نشریات
 نحوه دریافت حمایت مالی
 نحوه ثبت آرشيو نشریه
 نحوه ثبت درخواست مجوز نشریه
 نحوه شرکت در جشنواره نشریات
 استاذو آئین نامه ها • دستور العمل نشریات دانشگاهی
 لیست نشریات فعال
 sanad.um.ac.ir
 اطلاع‌رسانی کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

رشیو پروژ نشریات دانش
 دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد